

عیسی چه کرد؟: درک کار مسیح

درس ۱۰: رستاخیز

دکتر آر. سی. اسپرول

حالا مطالعه‌ی خودمون از کار مسیح رو ادامه میدیم. تو جلسه‌ی قبل، به‌طور خلاصه به مرگ عیسی بعنوان کفاره بر روی صلیب پرداختیم و امروز می‌خوایم به رستاخیز مسیح نگاه کنیم. شاید کمی عجیب به نظر برسه که درباره‌ی رستاخیز مسیح به‌عنوان بخشی از کارش صحبت کنیم چون عیسی در کل واقعه‌ی رستاخیز کاملاً منفعل بود. او خودش رو از مردگان قیام نداد، بلکه با قدرت روح‌القدس از مردگان برخاست.

حالا برای درک این موضوع که در رستاخیز چه اتفاقی افتاد، اولین چیزی که باید درک کنیم اینه که وقتی عیسی روی صلیب جان داد، او واقعاً مرد. و وقتی که او در قبر دفن شد، او واقعاً مرده بود. این یک واقعه‌ای بود که در اون، بدن عیسی یک جسد شده بود. روح او یا جان او، جسمش رو ترک کرده بود و با پدر بود اما جسد فیزیکی‌ش در قبر قرار داده شده بود و این جسد مرده مثل تمام جسدهای دیگه، ضربان قلب نداشت، امواج مغزی نداشت، هیچ نبضی در رگ‌های او وجود نداشت. او مرده بود و به‌عنوان یک انسان مرده در انسانیت خود به‌کلی فاقد قدرت برای انجام هر کار مهمی بود.

با این حال ما از رستاخیز به‌عنوان بخشی از کار بسیار مهم مسیح حرف می‌زنیم. حالا برای درک این موضوع اجازه بدید به جمله‌ی پولس پیرامون این امور در اول قرنتیان، فصل ۱۵ و از ابتدای آیه‌ی ۲۰ نگاهی بیاندازم؛ توی این قسمت پولس می‌نویسه: «لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است. زیرا چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز قیامت مردگان شد. و چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت. لیکن هر کس به رتبه‌ی خود؛ مسیح نوبر است و بعد آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح می‌باشند. و بعد از آن انتها است وقتی ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گرانید. زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود ننهد، می‌باید او سلطنت بنماید. دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است. زیرا همه چیز را زیر پایهای وی انداخته است.» پس در این بخش از تفسیر رسولانی پیرامون اهمیت رستاخیز، تفکری رو می‌بینیم که قبلتر در این سری دروس درباره‌ی پیوند موجود بین عیسی و آدم در کار مسیح به‌عنوان آدم جدید یا آدم دوم بررسی کردیم. آدم اول مرگ را وارد جهان کرد. آدم جدید رستاخیز از مردگان رو به ارمغان میاره.

پس رستاخیز، بر دشمن درجه یکی که زندگی انسان رو دردناک می‌کنه، یعنی مرگ پیروز شده. ما در اینجا پیروزی مسیح یا *Christus Victor* رو می‌بینیم، یعنی مسیح پیروز است، نه فقط بر شیطان، نه فقط بر گناه، بلکه بر خود مرگ پیروز هست، اون هم نه فقط برای خودش. اما چیزی که پولس رسول در اینجا می‌گه اینه که او نوبر میشه، پس در رستاخیز، خدا فقط عیسی رو از مردگان قیام نداد، بلکه تمام کسانی که در مسیح هستند و در اون پیروزی بر مرگ سهیم خواهند بود، را نیز قیام داد. به همین دلیل رستاخیز مسیح تا این حد در ایمان مسیحی مهمه، اینکه ما هر یکشنبه برای پرستش جمع میشیم به‌جای جمعه، بخاطر اینه که مسیح در روز یکشنبه از مردگان برخاست. ما یکشنبه رو روز خداوند می‌خونیم و این روز به یک روز سبت جدیدی تبدیل شده، تضمین جدیدی از حیات جاودان برای تمام کسانی که به او توکل می‌کنند.

اما اجازه بدین به خود موضوع رستاخیز برگردیم. همونطور که گفتیم بدن عیسی کاملاً منفعل بود. می‌تونید قیاسی بین جسد او و جسد ایلعازر که عیسی او را زنده کرد ببینید. وقتی ایلعازر از مردگان برخاست، خودش در اون هیچ دخالتی نداشت. به‌خاطر میارید که او به مدت چهار روز مرده بود و وقتی عیسی اومد و اونو زنده کرد، چطور این کارو انجام داد؟ او وارد قبر نشد و تنفس دهان به دهان نداد. حتی التماس و چرب‌زبونی هم نکرد که بگه: «بی‌خیال ایلعازر، خودتو جمع و جور کن.» نه. در عوض با صدایی بلند صدا زد: «ای ایلعازر بیرون بیا» و به دستور پسر خدا، این جسد مرده زنده شد. من این قیاس رو به‌کار می‌برم چون ما رو به ابتدای آفرینش می‌بره و اینکه چطور کل عالم هستی به وجود اومد؟ چطور حیات برای اولین بار پدید اومد؟ از طریق برخورد اتفاقی اتمها در این نهایت بی‌شکلی؟ نه. بلکه از طریق فرمان الهی، به دستور خدای ازلی، آن قادر مطلق که گفت: «روشنایی بشود» و روشنایی شد.

قدرت محض فرمان او بود که در ابتدا به حیات واقعیت بخشید و آن را به وجود آورد و ایلعازر را از مردگان برخیزانید، همان قدرت خدای روح‌القدس که در ابتدا روی آنها در حرکت بود تا به همه چیز حیات بخشد، همان روح حالا وارد قبری میشه که جسد عیسی در اونجا قرار داره و جسد در پارچه‌ی کفن از جنس کتان پیچیده شده و روح خدا او را از مردگان قیام میده. در موردش فکر کنید. در صبح زود اون یکشنبه، ناگهان پلکها می‌لرزه، امواج مغزی شروع میشه، قلب شروع می‌کنه به تپیدن، خون شروع می‌کنه به جریان افتادن در رگهای عیسی ذبح شده و به قدرت روح‌القدس از آن کفن و وضعیت مرگ‌ریال زنده بیرون میاد، و بر مرگ پیروز شده.

عهد جدید مطلب جالبی رو در مورد رستاخیز عیسی بیان میکنه، و عده‌ی بسیاری از مردم معتقدند رستاخیز باور نکردنی‌ترین معجزه است. مردمی که در دنیای غیرمذهبی زندگی می‌کنن، و شکاکان

می‌گویند که اگر چیزی باشه که قطعاً ازش مطمئنیم اینه که وقتی مردم می‌میرن، تو وضعیت مرگ باقی می‌مونن. و اگر یک خصوصیت اساطیری درباره‌ی مسیحیت وجود داشته باشه، این اصل مرکزی رستاخیزه چون میگن: «چنین واقعه‌ای حقیقتاً غیرممکنه.» با این حال عهدجدید از دیدگاهی کاملاً متفاوت بهش نگاه می‌کنه و می‌گه غیرممکن بود که مرگ بتونه اونو در خودش نگه داره. مرگ هیچ قدرتی بر او نداشت. مرگ مجازاتی است که خدا به خاطر گناه به موجودات زنده می‌ده، اما عیسی بی‌گناه بود. البته، وقتی عیسی گناه ما را بر روی صلیب بر خود گرفت، او پر از گناه شد، اما اینها گناهان خودش نبود. و این بی‌گناه بودن ذاتی‌اش به مرگ هیچ اقتداری برای نگه داشتن او نمیده. پس غیرممکنه؟ این که اون از مردگان قیام نکنه، غیر ممکنه. چگونه مرگ می‌تونه یک انسان بی‌گناه رو نگه داره؟ نمی‌تونه. پس بی‌گناهی عیسی در این عمل رستاخیز ثابت میشه.

عهدجدید به ما می‌گه که عیسی برای اینکه ما عادل شمرده بشیم، قیام کرد. آیا این عجیب نیست؟ او برای عادل شمردگی ما زندگی کرد. او برای عادل شمردگی ما مرد، اما همچنین او برای عادل شمردگی ما از مردگان قیام کرد. در نتیجه، در کل این جریان که از طریق اون در عادل شمردگی با خدا مصالحه داده میشیم، مبتنی بر شخص عیسی و از طریق حیات، مرگ و رستاخیزش هستش. چرا؟ چگونه رستاخیز با عادل شمردگی ما در ارتباطه؟ خب، تصور کنید که تموم کاری که عیسی انجام داد این بود که در اطاعت کامل زندگی کرد که اونو بررسی کردیم، و بعلاوه، خودش رابه‌عنوان قربانی کامل یکبار برای همیشه و از طریق مرگش تقدیم کرد. اما چطور بدونیم که این قربانی کامل مورد قبول خدا خدا؟ چطور بدونیم که اون قربانی کامل روی صلیب مقبول خدا بود؟ چطور بدونیم که این فدییه در حقیقت به فرونشاندن غضب پدر منتهی شد؟ در رستاخیز، پدر می‌گه که او قربانی کامل مسیح رو می‌پذیره. اون رو به‌عنوان کار مسیح یعنی عادل شمردن گناهکاران می‌پذیره. پدر در رستاخیز می‌گه «من راضی شدم» و در رستاخیز از مردگان، او لعنت را از ما برمی‌داره.

کمی بعد در اول قرن‌تین ۱۵ بیابید از آیه‌ی ۴۲ شروع کنیم: «به همین نهج است نیز قیامت مردگان. بدن، بدن ما، هر بدن، در فساد کاشته می‌شود، و در بی‌فسادی برمی‌خیزد.» دوباره این تصویر به بهترین نحو با تدفین ایلعازر شفاف می‌شه، که در اون روایت به ما گفته شد که بعد از چهار روز بوی وحشتناکی از قبر بیرون اومد. ترجمه‌ی قدیمی کینگ جیمز می‌گه «متعفن شده.» بوی تعفن ناشی از فساد جسم بخشی از واقعیت مرگ و تدفین ایلعازر بود.

چرا زنان صبح روز یکشنبه به سراغ قبر رفتند، جز اینکه عطرها را برای تدهین بدن مردی می‌بردند که در مرگ داشت شروع به فاسد شدن می‌کرد؟ پس جسد در قبر گذاشته شد. در فساد کاشته شد. اما وقتی عیسی از مردگان برخاست، این فقط یه بهوش اومدن نبود. اینطور نبود که انگار در وضعیت قبل از مرگ بوده، در قبر قرار گرفته و حالا خدا اونو از مردگان قیام می‌ده و به همان شکل قبلی از قبر بیرون می‌اد. نه. بله، بین جسمی که در قبر رفت و جسمی که بیرون اومد پیوستگی و انسجام وجود داره. این همون جسم بود. و به خاطر جای میخها و نیزه و غیره هنوز قابل شناسایی بود. می‌تونستن او رو تشخیص بدن. اما همچنین تغییری چشمگیر در بدن خداوندمان به وجود آمده بود. از زمانی که وارد قبر شد و زمانی که از اون بیرون آمد. وقتی در رستاخیز از قبر بیرون اومد، اینطور نبود که صرفاً بدن قبلیش احیا شده باشه. نه. بدن قبلیش جلال یافته بود.

حالا دوباره گوش بدین که پولس چطور اونو توصیف می‌کنه. در فساد کاشته شد، در فسادپذیری. در بی‌فسادی برخاست. بدنی که از قبر بیرون اومد هرگز نمی‌تونست تباهی یا فساد در جسم را بپذیره. وقتی در رستاخیز ما بدنهایمان از قبر بیرون می‌اد دیگه هیچ وقت زوال نمی‌پذیره. هیچ وقت تحت تاثیر عوامل مخرب زمان و بیماری قرار نمی‌گیره. بلکه فسادناپذیر خواهند بود. بدن در خواری و رسوایی کاشته میشه و در جلال برمی‌خیزه. ما در طول این مطالعه دیدیم که زندگی مسیح در یک مسیر تحقیر شدن سپری شد ولی در این مسیر، بی‌وقفه به سوی جلال و سرافرازی پیش رفت. و حتی بدن عیسی در رسوایی، خواری و مصلوب شده کاشته شد، اما در جلال برخاست.

می‌دونید، نمی‌دونم که بدن جلال‌یافته‌ی انسان چه شکلیه، اما اینو می‌دونم که از بدنهای فعلی مون متفاوته. قبلتر، باز پولس رسول گفته بود «هر گوشت از یک نوع گوشت نیست.» جسم انسان یک نوع است، جسم حیوان نوعی دیگه، و جسم ماهیها نوعی دیگه؛ پرندگان هم دارای نوعی دیگه از جسمند. به همین شکل، کالبدهای آسمانی و زمینی وجود دارند اما جلال کالبدهای آسمانی از یک نوع است و جلال کالبدهای زمینی از نوعی دیگه. خورشید جلال خودش را دارد و ماه جلالی دیگه و ستارگان هم جلالی دیگه دارند چون جلال هر ستاره با جلال ستاره‌ی دیگه فرق دارد. ما درجات متفاوتی از جلال را در اطراف خود مشاهده می‌کنیم. چیزی که شاهدش نبودیم انسان جلال‌یافته بوده. و این انسان جلال‌یافته از قبر بیرون آمد. «در ذلت کاشته می‌گردد و در جلال برمی‌خیزد.»

پولس در ادامه می‌گه: «در ضعف کاشته می‌شه.» می‌دونید، کتاب مقدس خلقت ما رو تحسین می‌کنه؛ مزور نویس می‌گه ما «مهیّب و عجیب ساخته» شده‌ایم. می‌دونین، گاهی اوقات وقتی به زندگیم در طول این هفت دهه فکر می‌کنم، گاهی اوقات متعجب میشم و می‌گم، چطور این بدن ضعیف و شکننده در این دنیا، روی این کره‌ی خاکی با تمام بیماری‌ها، تصادفات و تمام اتفاقاتی که رخ میدن ۷۰ سال زنده مونده؟ آیا تا به حال بهش فکر کردید؟ به اینکه چطور تونستید این همه مدت زنده بمونید چون هر ثانیه به فاصله‌ی یک ضربان قلب، به مرگ نزدیک هستید. چون بدنهای ما اساساً ضعیف هستند. بدنهای ما ظرفیت این رو ندارند که خودشون رو به‌طور نامحدود حفظ و تقویت کنند. ما برای زندگی تا ابد در شرایط طبیعی خود کاملاً ناتوان داریم. ما در ضعف کاشته شده‌ایم، درست همونطور که بدن عیسی در ضعف جسم انسانی در قبر گذاشته شد. اما بدنی که بیرون اومد اون ضعف رو پشت سر گذاشت. بدنی که بیرون اومد، در قدرت و قوت بیرون اومد.

بدن طبیعی وجود داره، و بدن روحانی. «و همچنین نیز مکتوب است که انسان اول یعنی آدم نفس زنده گشت، اما آدم آخر روح حیات‌بخش شد. لیکن روحانی مقدم نبود بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی. انسان اول از زمین است خاکی؛ انسان دوم خداوند است از آسمان. چنانکه خاکی است، خاکیان نیز چنان هستند و چنانکه آسمانی است، آسمانیها همچنان می‌باشند. و چنانکه صورت خاکی را گرفتیم، صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت.»

این مهمترین قسمت کار مسیح در رستاخیز است؛ اینکه به ما انسانیتی جدید می‌بخشه، صورت اولیه‌ی خدا رو در قومش احیا می‌کنه، و اونا رو آماده کرده که زندگی جاودان داشته باشند. حالا پولس با این گفته، سخن خود را به پایان می‌رسونه «لیکن ای برادران این را می‌گوییم که گوشت و خون نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود و فاسد وارث بی‌فسادی نیز نمی‌شود. همانا به شما سری می‌گوییم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدل خواهیم شد. در لحظه‌ای، در طرفه‌العینی، به مجرد نواختن صور اخیر، زیرا کرنا صدا خواهد داد، و مردگان، بی‌فساد خواهند برخاست و ما متبدل خواهیم شد. زیرا که می‌باید این فاسد بی‌فسادی را بی‌پوشد و این فانی به بقا آراسته گردد. اما چون این فاسد بی‌فسادی را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه این کلامی که مکتوب است به انجام خواهد رسید که «مرگ در ظفر بلعیده شده است. مرگ در ظفر بلعیده شده و از پا در اومده!» «ای موت نیش تو کجا است و ای گور ظفر تو کجا؟» نیش موت گناه است و قوت گناه، شریعت. لیکن شکر خدا راست که ما را بواسطه خداوند ما عیسی مسیح ظفر می‌دهد.» این نکته‌ی کار اوست یعنی او از سوی پدر و به قدرت روح‌القدس برخاسته، نه فقط برای اثبات بی‌گناهی خودش، بلکه برای ما برخاسته. او درسته که اولین کسیه که به این

شکل قیام کرده و در جلال قیام کرده، اما به هیچ وجه آخرین نفر نیست. هر کسی که در مسیح عیساست، در این جلال قیام کرده شریک خواهد بود. این امید ماست. این در قلب و مرکز ایمان مسیحی قرار دارد.